



## ماجراهای هولناک بلاگر معروف

# نقشه جنایت با گاز شیمیایی به قتل نخ نما رسید

## ارتباط بلاگر معروف با مٲتم به قتل از فضای مجازی آغاز شد



روزنامه خراسان، به دنبال اعتراضات این زن جوان بلافاصله گروهی از کارآگاهان اداره جنایی آگاهی به سرپرستی سروان اسماعیل عظیمی مقدم (افسر پرونده) به صدور دستورهای مجرمانه مقام قضایی آغاز کردند. آن ها که با توجه به اهمیت پرونده احتمال می دادندوی هنگام دستگیری دست به اقدامات نامتعارف بزنند، همه ابعاد این عملیات حساس را با رعایت نکات دقیق امنیتی سنجدیدند و سپس با توسل به شیوه های تخصصی پلیسی، موفق شدند این جوان را در انتهای بولوار وکیل آباد دستگیر کنند. متهم این پرونده جنایی که در حضور قاضی (محمود عارفی راد) مورد بازجویی قرار گرفته بود با مشا هده «ف- ز» دیگر چارهای جز بیان حقیقت نداشت و به همین دلیل ب به اعتراف گشود و راز این جنایت شوم را برملا کرد. او گفت: فکر می کردم با گاز های شیمیایی می شود شوهر او را به قتل برسانیم چرا که «ف- ز» او سختی ها و مشکلات و اختلافات زندگی اش برابیم سخن می گفت و من هم تحت تاثیر قرار گرفتم اما هنگام اجرای نقشه او متوجه شد و من در یک درگیری، با دستانم گلویش را فشردم تا این که بی حرکت ماند و جان داد. گزارش روزنامه خراسان حاکی است در حالی که تحقیقات تخصصی مقام قضایی وانه و طرحی کردم تا گذشته رسید اما بررسی های بیشتر درباره ادعاهای دو متهم این پرونده جنایی با دستورهای ویژه قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد برای کشف زوایای پنهان این جنایت هولناک همچنان ادامه دارد.

اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است این اظهارات دیگر جای تردیدی برای قاضی «عارفی راد» باقی نگذاشت چرا که نحوه سوختن پیکر مرد ۳۲ ساله از جنایتی وحشتناک حکایت می کرد. به همین دلیل قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، دستور بازداشت زن جوان را صادر کرد و او را برای انجام بازجویی های فنی در اختیار کارآگاهان اداره جنایی آگاهی گذاشت. با توجه به اهمیت موضوع، سرهنگ کارآگاه جواد شفیع زاده (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) نظارت دقیق بر عملیات های کارآگاهان و شیوه های بازجویی را برعهده گرفت و برای کشف راز این جنایت به راهنمایی کارآگاهان پرداخت. ساعتی بعد «ف- ز» که خود را یکی از بلاگرهای معروف مشهد در فضاهای مجازی معرفی می کرد ناگهان در تنگنای سوالات انحرافی قرار گرفت که از سوی قاضی ویژه قتل



عمد طرح شده بود. این زن در ادامه بازجویی ها باز هم به تناقض گویی پرداخت و گفت: صبح روز حادثه وقتی با همسرم مشاجره کردیم دختر خردسالم را برداشتم و به منزل پدرم رفتم. فرزندم را نزد مادرم گذاشتم و خودم نیز به بیمارستان رفته بودم که چنین حادثه ای رخ داد. بنابر گزارش روزنامه خراسان، او در ادامه بازجویی ها نام پسر جوانی را بر زبان راند که مدعی بود از حدود یک سال قبل باوی در فضاهای مجازی آشنا شده است. این موضوع، نگاه های کارآگاهان را به یکدیگر دوخت و ماجرا طبق فرضیه

ساختمان ویلایی، بررسی های تخصصی در حالی آغاز شد که مرکز انتشار شعله های آتش و چگونگی سرایت آتش به اطراف منزل، حکایت از وقوع آتش سوزی عمدی داشت چرا که قاضی ویژه قتل عمد در صحنه های جنایی زیادی با چنین قتل های نخ نما برخورد کرده بود و در همان بررسی های مقدماتی بر فرضیه جنایت قبل از شروع آتش سوزی متمرکز شد. این در حالی بود که پزشک قانونی بررسی های دقیق برای تشخیص علت مرگ را به انجام معاینات بیشتر و کالبدشکافی جسد مرتبط دانست. همین مستندات کافی بود تا قاضی ویژه قتل عمد بر اساس تجربیات قضایی، تحقیقات اولیه را از همسر مقتول آغاز کند که در بیرون از خانه ایستاده بود و هیچ گونه نگرانی در چهره اش دیده نمی شد! این زن ۲۶ ساله درباره چگونگی وقوع این ماجرای هولناک گفت: همسرم دچار بیماری

های عصبی بود و مدام مرا کتک می زد، ما با یکدیگر از مدت ها قبل به اختلاف داشتیم تا حدی که درهای منزل را به روی من قفل می کرد تا از خانه بیرون نروم! امروز صبح (روز حادثه) هم بعد از مشاجره لفظی من از منزل بیرون آمدم و برای درمان بیماری زنانگی به

بیمارستان امام حسین (ع) رفتم که در نزدیکی محل سکونتمان قرار دارد ولی بعد از آن همسایگان از آتش گرفتن منزل خبر دادند و من بلافاصله خودم را به خانه رساندم و فهمیدم که شوهر ۳۲ ساله ام احتمالا خودش و خانه را به آتش کشیده است! گـــزارش



## دستبرد مسلحانه به اموال مردم با سلاح های جنگی و شکاری

مواجهه با مدارک پلیس به یک فقره سرقت مسلحانه منزل و ۱۷ فقره سرقت منزل و مغازه با همکاری دو برادر خودو دیگر همدستانش اعتراف کرد.وی افزود: در ادامه با اقدام به موقع ماموران همه اعضای این باند و مالخران و سایر افراد مرتبط شامل ۱۷ متهم دستگیر شدند و در بازرسی از مخفیگاه آنان ۷ قبضه سلاح جنگی و شکاری، تعدادی بیسیم و

کرمان، کارآگاهان پلیس آگاهی با بررسی تخصصی صحنه سرقت و اقدامات اطلاعاتی بعدی، هویت عامل اصلی این سرقت را که سر کرده یک باند سرقت مسلحانه بود، شناسایی کردند و این متهم را در یک عملیات غافلگیرانه به دام انداختند. سرهنگ حمیدرضا میرحبیبی ادامه داد: این متهم در تحقیقات و بازجویی های تخصصی ماموران و در

توکلی- اعضای یک باند تبهکاران و سارقان مسلح که به اموال مردم دستبرد می زدند با تاراش شبانه روزی و در عملیات ضربتی کارآگاهان پلیس آگاهی کرمان به چنگ قانون افتادند. به گزارش خراسان، رئیس پلیس آگاهی استان کرمان در تشریح این خبر اظهار کرد: به دنبال وقوع یک فقره سرقت مسلحانه منزل در یکی از نقاط شهر

در امتداد تاریکی

### چاه مکن بهر کسی...

روزی که همسرم با همدستی من ملک و املاکش را طوری سندسازی کرد که هویم نتواند از طریق قانونی به مال و اموال او برسد، هیچ گاه فکر نمی کردم که روزی همین بالا راسر من هم خواهد آورد تا با همین شیوه مرا آواره کوچه و خیابان کند به قول معروف از قدیم گفته اند چاه مکن بهر کسی، اول خودت دوم کسی... به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، زن ۳۲ ساله که برای رهایی از ترندهای سندسازی شوهرش دست به دامان قانون شده بود، در باره قصه عبرت آموز خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد گفت: همه چیز از ۱۷ سال قبل زمانی شروع شد که زن برادرم شماره تلفن ناشناسی را از جیب شوهرش پیدا کرد. آن زمان ما در روستا زندگی می کردیم و پدرم از طریق کارگری در زمین های کشاورزی هزینه های مارا تامین می کرد.

زن برادرم شماره تلفن را به من داد تا با آن شماره تماس بگیرم تا راز خیانت برادرم فاش شود چرا که زن برادرم تصور می کرد شوهرش به او خیانت می کند و آن شماره هم که روی کاغذ نوشته شده مربوط به یک زن است، اما وقتی از تلفن ثابت منزل با آن شماره تماس گرفتم مردی ۴۵ ساله پاسخ داد که در شیرینی فروشی کار می کرد و شماره تلفن هم مربوط به فروشگاه شیرینی جات بود. خلاصه این تماس زندگی و سرنوشت مرا دگرگون کرد و به تباهی کشاند چرا که آن مرد با چرب زبانی و جملات احساسی عقل مرا در دید که در آن زمان در یک سن هیجانی و احساسی قرار داشتم. این گونه رابطه من و «غلامحسن» آغاز شد. حالا دیگر مدام به دور از چشم اهالی منزل با او تماس می گرفتم و چند ساعت با هم صحبت می کردیم. «غلامحسن» مدعی بود دو فرزند خردسال دارد و جدا از همسرش زندگی می کند چرا که علاقه ای به همسرش ندارد و اکنون نیز از خانه قهر کرده است؛ بالاخره او با چرب زبانی هایش طوری مرا فریب داد که خام وعده و وعید هایش شدم و با پیشنهادهای او از خانه فرار کردم. غلامحسن ادعای کرداگر از خانه فرار کنم و به مشهد بیایم در شیرینی فروشی با هم زندگی می کنیم. من هم که دیگر احساس و عاطفه بر عقلم غلبه کرده بود، پیشنهادش را پذیرفتم چرا که می ترسیدم خانواده ام از پول زیاد هزینه تلفن متوجه ماجرا شوند. این گونه بود که شبی به طور پنهانی از خانه گریختم و به مشهد آمدم. غلامحسن مرا به خانه خواهرش برد و حدود یک ماه در آن جاز زندگی کردم تا این که همسرش متوجه ماجرا شد و نه تنها طلاق نگرفت بلکه به سرخانه و زندگی خودش بازگشت و در کنار فرزنداناش قرار گرفت. در این شرایط برادرم که از طریق همسرش در جریان شماره تلفن ناشناس قرار گرفته بود، مرا در مشهد پیدا کرد و به سراغم آمد. او گفت: می دانم که چه چگکی کردی و قریب خوردی! اگر به روستا باز گردی همه ما تورا می بخشیم! ولی من که می دانستم همه اهالی روستا و اطرافیانم طلاق را امری زشت می دانند و به کسی که طلاق می گیرد به چشم دیگری نگاه می کنند، پیشنهاد برادرم را نپذیرفتم و در حالی نزد غلامحسن ماندم که تقریبا هسمن وسال دختر کوچکش بودم؛ بعد از این ماجرا غلامحسن هم دیگر همسر و فرزنداناش را فراموش کرد و در کنار من به زندگی ادامه داد به گونه ای که تا ۱۰ سال بعد هیچ ارتباطی با یکدیگر نداشتند تا این که آخرین فرزنداناش هم ازدواج کردند و به دنبال سرنوشت خودشان رفتند ولی در این وضعیت، همسر غلامحسن از او شکایت کرد و او هم منزل ۲ طبقه کلنگی را به آن ها داد تا در آن زندگی کنند. بدین ترتیب من او و زندگی مان را از صفر شروع کردیم و در حالی که صاحب دو دختر و پسر بودیم از تبه هنگفتی از مادر غلامحسن به او رسید و صاحب ملک و املاک شد.

آن جابود که همسر غلامحسن بلافاصله تقاضای طلاق و مهریه کرد تا به اموالی از املاک شوهرش دست یابد. به همین دلیل غلامحسن ترند سندسازی را شروع کرد و خودرو، باغ و فروشگاه را به طور صوری به نام من قولنامه کرد تا چیزی جز همان منزل کلنگی، نصیب همسرش نشود. او مدعی بود همسرش هیچ زحمتی برای به دست آوردن این اموال نکشیده است و حق او نیست که بتواند چیزی از این املاک به دست آورد. من هم برای آن که شوهرم اموالش را از دست ندهد با او همکاری کردم تا دست همسرش از این اموال کوتاه شود. «طوطیا» هم که اوضاع را این گونه دید و دوندی هایش به نتیجه نرسید، طلاقش را گرفت و بی زندگی خودش رفت. هنوز ۲ سال از ماجرای طلاق همسر غلامحسن نمی گذشت که دو فرزند او نیز از همسران شان طلاق گرفتند و نزد مادرشان بازگشتند. مدتی بعد هم «طوطیا» به دلیل زجر و روحی که عارضش شده بود، دق کرد و از دنیا رفت. از آن روز به بعد پای فرزندان غلامحسن هم به زندگی ما باز شد و آن ها در کنار پدرشان قرار گرفتند. در این شرایط بود که غلامحسن با چرب زبانی دوباره ملک و املاک را از من گرفت و به نام فرزنداناش سند زد و دیگر کاری به من نداشت. من که حیرت زده مانده بودم از او شکایت کردم ولی بازم ترندهای سندسازی او شروع شد و حالا قولنامه ای در دست کرده است که مثلا مستاجر پسرش است! او حتی به اتهام عدم تمکین از من شکایت کرد و همه لوازم منزل مرا برد چرا که مدعی بود من چیزی به ای از منزل پدرم برایش نبرده ام که حالا لوازمی داشته باشم! اکنون نیز منزلی را در یکی از شهرک های اطراف مشهد اجاره کرده و همه لوازم را به آن جابرده است تا من هم به آن خانه بروم اما می دانم که این هم یکی از نقشه های مکارانه اوست چرا که قبلا همین بالا راسر «طوطیا» را آورد. او خانه ای اجاره کرد و بعد هم اجاره خانه را انداد که صاحبخانه لوازم او را بیرون ریخت و همسرش آواره کوچه و خیابان شد. حالا هم قصد دار دهمین نقشه را برای من دوباره اجرا کند، از قدیم گفته اند چاه مکن بهر کسی...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است به دستور سرگرد جواد یعقوبی (رئیس کلانتری طبرسی شمالی مشهد) پرونده این زن جوان، در دایره مشاوره و مددکاری اجتماعی مورد بررسی و کنکاش های قانونی قرار گرفت.

ماجرا واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

## فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در نظر دارد نسبت به ساخت ، تهیه، حمل و اجرای سیستم های ماشینیری سالن تئاتر مجتمع فرهنگی وهنری اراک شامل لیفت های ارکستر دو طبقه، فهای بارها و لایت بتن و کلیه پرده های مورد نیاز سالن تئاتر مجتمع مزبور طبق مشخصات ذیل در قالب مناقصه اقدام کند، از شرکت های متخصص مناقضی دعوت می شود از تاریخ درج آگهی لغایت حداکثر ۳ روز کاری جهت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و سایر اسناد مناقصه مراجعه و نسبت به تکمیل و بازگرداندن کلیه اسناد اقدام نمایند.

لازم به ذکر است ابتدا متقاضیان ارزیابی کیفی می گردند و صرفا پاکت های «الف» و «ب» و «ج» متقاضیان تایید شده در ارزیابی کیفی بازگشایی می شود.

کارفرما: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

موضوع مناقصه: ساخت، تهیه، حمل و اجرای سیستم های ماشینیری سالن تئاتر مجتمع فرهنگی وهنری اراک شامل لیفت های ارکستر دو طبقه، فهای بارها، لایت بتن و کلیه پرده های مورد نیاز سالن تئاتر مجتمع مزبور

۱ محل اجرای پروژه : استان مرکزی- شهر اراک

۲ برآورد اولیه پروژه: مبلغ حدود ۳۰۲/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۳ مدت زمان اجرای عملیات: ۱۲ ماه شمسی

۴ نوع و مبلغ تضمین: حدود ۱۲/۵۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال( دوازده میلیارد و پنجاه و دو میلیون ریال ) به صورت ضمانتنامه بانکی ویا اصل فیش واریزی وجه نقد به حساب شماره ۱۴۰۴۸۱ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۵ داشتن گواهینامه صلاحیت در رشته ابنیه و تاسیسات الکتریکی و مکانیکی با پایه ۵ از سازمان برنامه و بودجه کشور الزامی می باشد.

۶ نشانی دریافت و تحویل اسناد: سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس اینترنتی **setadiran.ir**

۷ زمان تسلیم کلیه اسناد: روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۹ تا ساعت ۱۲ ظهر می باشد.

۸ تاریخ بازگشایی پاکات: پاکات (الف، ب و ج ) در ساعت ۱۲:۳۰ ظهر روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۹ در جلسه مناقصه در محل سالن جلسات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با حضور نماینده مناقسه گران بازگشایی می شود.

شنامه ۱۴۷۰۳۷۵/م الف۵۰۲۸



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی استان اردبیل در نظر دارد مناقصه عمومی پروژه مشروح ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ( ستاد ) به نشانی **www.setadiran.ir** برگزار نماید.

لذا شرکت های دارای صلاحیت در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند و برای اطلاع از شرایط مناقصه به شرح ذیل اقدام نمایند.

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سامانه: از روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۰۵ لغایت ساعت ۱۳ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۰

مهلت زمانی ارائه پیشنهادها: از روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۴ لغایت ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۲۶

تاریخ و محل گشایش اسناد: به شرح جدول ذیل در ستاد مرکزی دانشگاه واقع در اردبیل، انتهای خیابان دانشگاه، جنب شهرک دادگستری محل تسلیم پاکت «الف»: اردبیل، انتهای خیابان دانشگاه، جنب شهرک دادگستری، دبیرخانه ستاد مرکزی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل مدت اعتبار پیشنهادات: ۲۰ روز کاری می باشد.

نام پروژه	شماره مناقصه	مبلغ سپرده شرکت در مناقصه	رتبه مورد نظر	تاریخ گشایش	تلفن تماس
مناقصه عمومی دو مرحله ای پروژه احداث بخش LDR بیمارستان ولایت گرمی	۶۴/۰۱۷۸	۲/۴۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	دارای حداقل رتبه ۵ ابنیه	دوشنبه ۱۴۰۲/۰۱/۲۸ ساعت ۹ قبل از ظهر	۰۴۵-۳۳۵۳۴۷۲۴-مدیریت منابع فیزیکی و نظارت بر طرح های عمرانی دانشگاه

داوطلبان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره های مندرج در جدول فوق تماس حاصل نمایند یا به سایت اینترنتی دانشگاه به نشانی زیر مراجعه نمایند.

**http://www.arums.ac.ir**

● هزینه درج آگهی در نشریات به عهده برنده مناقصه خواهد بود.

**روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان اردبیل**